

عنوان مقاله:

خوانش متن به شیوهی تاریخگرایان نوین تحلیل گفتمانهای سووشون

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره 14، شماره 53 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسنده:

حسین پاینده - استاد دانشگاه علامه طباطبایی

خلاصه مقاله:

تاریخگرایی نوین در زمرهی تاثیرگذارترین روشهای تحلیل متن است که از اواخر دههی ۱۹۸۰ با مقالات و کتابهای استیون گرینبلت و سپس لوئی مانتروز نظریهپردازی شد. هرچند که این رویکرد ابتدا در نقد ادبی نضج گرفت، اما دامنهی کاربرد آن به مطالعات فرهنگی تسری پیدا کرد و امروزه در کنار رویکردهایی همچون تحلیل انتقادی گفتمان، از متداولترین شیوههای تحلیل متن محسوب میشود. معرفتشناسی ضدپوزیتیویستی نیچه و همچنین نظریهی فوکو دربارهی گفتمان تاثیر بسزایی در شکلگیری شالودههای نظری این رویکرد داشته است. در نتیجه، تاریخگرایان نوین معتقدند هرگز نمیتوان شناختی عینی و موثق از تاریخ به دست آورد، «حقیقت تاریخی» برساختهای گفتمانی و لذا متغیر است، و مفهوم «روح زمانه» فهم گفتمانهای متکثر در هر برههی معین از تاریخ را ناممکن میکند. در مقالهی حاضر، پس از بررسی مبانی نظری تاریخگرایی نوین، خوانشی از زمان مشهور سووشون نوشتهی سیمین دانشور به دست داده میشود که طی آن، گفتمانهای دورهی اشغال ایران در جریان جنگ جهانی دوم از منظر تاریخگرایی نوین تحلیل میشوند. تمرکز این تحلیل بر شورش سمیرم و نحوهی بازنمایی آن در سووشون است. به منظور پرداختن به زمینههای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی این واقعه، از روش انسانشناس آمریکایی کلیفورد گیرتس موسوم به «توصیف همهجانبی» یا «توصیف انبوه» استفاده شده و با استناد به منابع گوناگونی مانند آرشیو سازمان اسناد ملی، گزارش روزنامهها، کتاب خاطرات و یادداشتهای پهلوی اول، کتاب خاطرات سپهبد امیراحمدی، کتابها و مقالات تاریخدانان و پژوهشگران تاریخ معاصر، ... تلاش شده است تا تصویری از کشاکشهای گفتمانی در زمان این رویداد به دست داده شود. در گام بعدی، متون غیرادبیایی که نام بردیم، به موازات متن سووشون قرائت و از راه تحلیل گفتمان با آن مقایسه شدهاند. این تحلیل نشان میدهد که صداهای خاموش در منابع رسمی تاریخ، چگونه در ادبیات میتوانند شنیده شوند و به صورت گفتمانها یا پارهگفتمانهایی مغایر با گفتمان مسلط تفسیر متفاوت خودشان از رویدادهای تاریخی را به خواننده ارائه دهند. تحلیل نحوهی بازنمایی شورش سمیرم در سووشون از منظر تاریخگرایی نوین نشان میدهد که حکومت مرکزی با ایجاد شناختنامههایی مانند «ملیت»، «مدنیت»، «باغیگری»، «شرارت» و امثال آن، تقابلی دوجزئی بین فرهنگ و سبک زندگی عشایر از یک سو و پیشرفت کشور از سوی دیگر به وجود میآورد و بدین ترتیب راه را برای سرکوب آنان باز میکند.

کلمات کلیدی:

تاریخگرایی نوین، روح زمانه، شورش سمیرم، سووشون، تحلیل گفتمان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1196465>

